

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم- پاییز ۱۴۰۲- شماره چهاردهم- ص ۱۱۸-۱۳۰

مصادیق و ثمرات قناعت در زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام

مهدی ملکی^۱

چکیده

خانواده، اصیل‌ترین نهاد اجتماعی است. یکی از صفاتی که تضمین‌کننده آرامش و سازگاری در زندگی خانوادگی است و انجام آن آسایش را به زندگی می‌بخشد، قناعت در افراد خانواده است. در دین مبین اسلام بر رعایت اعتدال در خانواده تأکید شده است. بررسی در آیات و روایات تبیین می‌کند که چنین خانواده‌ای مشمول هدایت خداوند واقع شده واز برکات مادی و معنوی فراوانی بهره می‌برد. قناعت کردن و میانه روی اعضای خانواده از مهمترین دلایلی است که باعث استحکام زندگی خانوادگی می‌باشد. هدف از مقاله بیان مصادیق و ثمرات قناعت در خانواده از نظر اسلام است. آنچه که تحقیق حاضر را متمایز کرده است، اثرات قناعت را از دیدگاه دین اسلام مورد واکاوی قرار داده است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای، ابتدا به ارائه تبیینی واژه شناسانه از مفهوم قناعت و اقتصاد پرداخت و سپس اشاره به اهمیت قناعت در آیات و روایات کرده است. بعد از آن آثار قناعت کردن را در زندگی خانوادگی طبق اندیشه دین اسلام بیان کرده است که مهمترین اثرمادی آن راحتی و آسایش است و مهمترین اثرات معنوی آن نیز عبارت است از عزت نفس، سلامت دین، اصلاح نفس و ... است. از این رو انسان با شناخت اثرات قناعت در زندگی می‌تواند به آرامش و استحکام بنیان خانواده رسد.

کلیدواژه‌ها: اثرات، مصادیق، قناعت، اقتصاد، خانواده، اسلام.

^۱ طلبه سطح سه حوزه های علمیه قم ، دانش پژوه مقطع کارشناسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمة الله).

مقدمه

کوچکترین اجتماع، خانواده است. هر فردی در خانواده ای به دنیا آمده است که نیاز به ارتباط با اعضای خانواده دارد. بی تردید قانع بودن، زهد، میانه روی و اعتدال در قبال اعضای خانواده برای هر کدام از آنها اثرات فراوانی دارد که در صورت نداشتن این ویژگی ها مشکلات فراوانی برای خانواده رخ خواهد داد.

اسلام دینی است که برای تمامی لحظات زندگی فرد سفارش‌هایی را داده است تا بر اثر آن بنیان مهم خانواده پایدار بماند. توصیه به قناعت و میانه روی بودن اعضای خانواده از مهم‌ترین توصیه‌های دینی است.

در ابتدای تشکیل خانواده نیاز است که زن و شوهر برای تقویت نقاط مشترک و برابرسازی توقعات خود از یکدیگر نیاز است که به قناعت نزدیک شوند تا از اثرات آن بهره‌مند شوند. به همین دلیل نیاز است تا آثار قناعت در زندگی خانوادگی مورد واکاوی قرار گیرد.

اهمیت پرداختن به این موضوع در این است که در عصر حاضر و مشکلات اقتصادی و تورم در جامعه هرگونه استفاده‌ی نا به جا از نعمت‌ها و زیاده روی در مصرف آن ریشه در اسراف داشته و علاوه ضایع نمودن نعمت‌های الهی، اثرات نامطلوبی را بر زندگی فرد و در نهایت جامعه بر جا میگذارد.

بدیهی است که نهادینه کردن فرهنگ قناعت و ساده زیستی نقش مهمی در استحکام خانواده دارد، از این رو ضرورت ایجاد کرده است تا آثار قناعت در خانواده از دیدگاه اسلام مورد واکاوی قرار گیرد.

در مورد پیشینه مساله با جستجو در سایت‌های علمی و معتبر مقالات و پایان نامه با کلید واژه « قناعت » به آثار قابل توجهی رسیده است از جمله:

- پایان نامه « جایگاه قناعت در سبک زندگی اسلامی » به نویسندگی محمدجواد شفیعیان، در این پایان نامه به آثار قناعت در سبک زندگی اسلامی پرداخته شده و مهم‌ترین آنها عزت، راحتی و آرامش و عبادت نیکو هستند.

- پایان نامه « قناعت، اسباب و آثار آن از منظر آیات و روایات » به نویسندگی پروین مغرور، در این مقاله به تبیین ارزش و اسباب قناعت پرداخته شده است.

وجه تمایز مقاله‌ی حاضر با مطالعات پیشین در این است که مقاله‌ی حاضر با هدف شناخت قناعت در آیات و روایات و همچنین شناخت مصادیق و آثار قناعت در خانواده از دیدگاه اسلام به روش توصیفی- تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای خواهد پرداخت.

با توجه به اهمیت موضوع قناعت در خانواده مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: مصادیق و آثار قناعت در زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام؛ از این رو، این سوال‌ها در مورد قناعت در خانواده بررسی شده است: آثار مادی قناعت در زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام چیست؟ آثار معنوی قناعت در زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام چیست؟

مفهوم شناسی

۱. قناعت

۱,۱ معنای لغوی: قناعت در لغت به معنای راضی بودن به آنچه قسمت و روزی انسان است (معلوف، المنجد، واژه قنع، ۱۳۹۳ ش).

در لغت نامه دهخدا، معنای قناعت بدین شرح است: خر سندی، رضا به قسمت، بسنده کردن، بسنده کاری، راضی شدن به اندک چیز، خرسند گردیدن به قسمت خود، آسان قرار گرفتن در مآکل و مشارب و ملابس و غیر آن و راضی شدن بدانچه سد خلل کند از هر جنسی که اتفاق افتد (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷ ش)

مفهوم دیگر قناعت بدین معناست: او از آنچه به او تقسیم شده بود راضی بود، یا راضی بودن به قلیل و کم (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۵۵۲، واژه قنع)، یا به معنای اکتفا کردن به اندک از آنچه مورد نیاز انسان است.

۲,۱ معنای اصطلاحی

قناعت در اصطلاح در نزد اخلاقیون، حالتی است برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است (نراقی، معراج السعادت، ۱۳۷۸: ص ۳۹۷).

همچنین گفته شده: قناعت در اصطلاح، عبارت از این است که انسان بیش از هر چیزی به خداوند متعال متکی بوده و به هر چه در اختیار دارد خشنود و سازگار باشد و یا عزت نفس و آبرومندی به سر برده و هیچگاه چشم داشتی به دیگران نداشته و از نداشتن امور مادی و کمبودها اندوه گین و حسرت زده نباشد (رحیمی اصفهانی، اخلاق اسلامی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۱۵۱).

در کلام امام علی علیه السلام قناعت توانگری و همت بلند است و شمشیر برنده می باشد. امام علی علیه السلام فرمودند: *طَلَبْتُ الْغِنَى فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالْقَنَاعَةِ، عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ تَسْتَعْنُوا؛* توانگری را جستیم و آن را جز در قناعت نیافتیم. قانع باشید تا توانگر شوید (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۳: ج ۶۹، ص ۹۱).

واژه ی هم معنا با قناعت

۲. اقتصاد

۱,۲ معنای لغوی: اقتصاد به معنی میانه نگه داشتن و میانه روی در هر کاری است، اقتصاد از معنی قصد گرفته شده به چندین معنی لغوی آمده است از جمله: میانجی شدن، میانه بودن، به اعتدال خرج کردن (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷ ش).

رسوا خدا صلی الله علیه وآله فرموده اند: *مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ؛* هرکسی میانه روی کند محتاج نشود (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۳: ج ۷۸، ص ۱۳۹).

۲,۲ معنای اصطلاحی

در اصطلاح اقتصاد داشتن مایه اعتدال، بی نیازی، تنگدست نشدن، مانع فقر و مایه نجات میشود. قناعت در رفتار اقتصادی به معنای اکتفا کردن به اندک و ضد اسراف کاری است.

امام علی علیه السلام فرموده اند: بر تو باد به پاکدامنی و قناعت زیرا هرکس قناعت را فرا گرفت، سنگینی زندگی بر وی سبک شود (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰: ص ۴۴۴).

۲. اهمیت قناعت

قناعت در فرهنگ اسلام یکی از شاخص های بالندگی و آفرینندگی و خلاقیت و عزت است که ممکن است در فرد یا یک ملت تحقق یابد.

حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «كفى بالقنَاعَةِ مُلْكاً و بِحُسْنِ الخَلْقِ نَعِيمًا؛ پادشاهی در قناعت است و حسن خلق برای انسان کفایت می کند (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۹۲: حکمت ۲۲۰، ص ۳۴۹).

قناعتی که انسان قانع، به آن موصوف شده، عبارت اند از: رضایت از همان بهره هایی که در زندگی برای او میسر است، اگر قناعت به رضایت یعنی خشنودی از آنچه حاجت انسان را برآورده میکند تحول یابد، در این وقت می توان گفت که قناعت، اخلاق انسانی و فضیلتی بزرگ و نشانه نزدیکی به خدای متعال است (بهی، اخلاقی و عقیدتی قرآن، ۱۳۶۲: ص ۲۷۱).

قناعت از چنان اهمیتی در زندگی برخوردار است که امام سجاد علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: برترین عمل این است که به آنچه در دست تو است، قانع باشی (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۳۶۶: ج ۱۵، ص ۲۳۲). در روایتی دیگر، قناعت باعث سعادت انسان دانسته شده است (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق: ص ۳۹۱). این صفت، از صفات ممتاز اخلاقی به شمار می آید و به حسن رابطه فرد با مولای خود می انجامد. علاوه بر این در استحکام بنیاد خانواده اهمیت خاصی دارد.

۳. مصادیق قناعت

مصادیق قناعت با توجه به مفهوم آن، در برگیرنده جنبه های معیشتی انسان می باشد و موارد آن بر حسب سبک زندگی، نوع فرهنگ، تغییر نیازها و منابع، گستره وسیعی را شامل می شود که در زیر به چند مورد از آن ها اشاره می کنیم:

۱,۳ قناعت در لباس

انسان باید در مقدار و نوع لباس نیز قناعت کند. آنچه در مسأله لباس و سایر موارد ملاک است شأنیت افراد است و نمی توان همه افراد را با یک چشم نگاه کرد. به عنوان مثال انتظاری که از یک فرد نوجوان و جوان با توجه به ویژگی های خاص آن سن می رود هرگز از فرد مسن متوقع نیست و چه بسا اگر فرد مسن در مسأله لباس پوشیدن به شیوه جوان عمل کند ناپسند و مذموم باشد و گاهی باعث شهرت و انگشت نما شدن وی می شود که مورد نهی قرار گرفته است. خلاصه این که انسان باید متناسب با نیازهای سنی و موقعیت خود رفتار نماید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: در ذلت و خواری انسان همین بس که لباسی بپوشد و یا مرکبی سوار شود که او را انگشت نما کند (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۶۴: ج ۱۵، ص ۱۹۶).

منظور از قناعت در لباس این نیست که انسان به ساده ترین و ارزان ترین نوع لباس اکتفا کند و یا یک لباس را چندین سال استفاده کند، بلکه منظور این است که از سان برای تهیه لباس جدید و زیبا، خود را بیش از اندازه به زحمت نیندازد و به مقدار مورد نیاز لباس تهیه کند. از نظر اخلاقی انسان باید چه مقدار دنبال لباس و مسکن باشد؟ باید گفت به طور مسلم به اندازه ای که نیاز انسان به لباس و مسکن را برطرف سازد و این مقدار به طور طبیعی ارزش منفی

ندارد. اما اگر انسان سر دو راهی قرار گیرد و مسکن مورد نظر خود را تهیه کند یا تکلیف الهی را انجام دهد و چنانچه این دل بستگی به لباس مانع انجام تکلیف الهی شود، این ارزش منفی دارد (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۵۲)

۲,۳ قناعت در خوردن و آشامیدن

یکی از زمینه هایی که انسان باید قناعت (مقدار نیاز و کفاف) را رعایت کند، خوردن و آشامیدن است و باید از افراط (پر خوری) و تفریط (کم خوری) پرهیز نماید که بدین وسیله سلامت جسمی و روحی خود را تضمین کرده است ضمن این که هزینه و مخارج زندگی او نیز کاهش می یابد. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

لَوْ اقْتَصَدَ النَّاسُ فِي الْمَطْعَمِ لَاسْتَقَامَتِ اِبْدَانُهُمْ؛ اگر مردم در خوردن میانه روی کنند بدنشان سالم می ماند، زیرا پر خوری باعث بسیاری از بیماری ها می شود (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۳ ق: ج ۵۹، ص ۲۶۶).

۳,۳ قناعت در خواب

خواب یک نیاز اساسی و ضروری برای انسان است و مثل خوردن و آشامیدن از نیازهای فیزیولوژیک محسوب می شود.

قرآن کریم می فرماید:

وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا؛ یعنی خواب را مایه آرامش قرار دادیم (سوره نبا، آیه ۷۸). خواب امری بسیار مفید و لازم است و همان گونه که بی خوابی و کم خوابی فرد را با بیماری های عصبی- روانی روبرو می کند، پر خوابی نیز سبب مشکلات برای فرد می شود. پس با توجه به این که خواب یک نیاز فیزیولوژیک است، باید مثل هر نیاز دیگری به مقدار ضرورت و کفایت از آن استفاده کرد و از پر خوابی پرهیز نمود. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

كَثْرَةُ النَّوْمِ مَذْهَبَةٌ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا؛ خواب زیاد باعث از بین رفتن دین و دنیا می گردد (کلینی، الکافی، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۸۶).

۴. آثار قناعت در زندگی خانوادگی

۱,۴ آثار مادی

۱,۱,۴ راحتی و آسایش

اولین ثمره ی شیرین قناعت، آسایش و راحتی فردی است که به این صفت متصف می شود. هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، بسنده کرده و زندگی خود را با توجه به امکانات موجود سامان می دهد، سختی های بسیاری را از سر می گذراند و از فعالیت های طاقت فرسا، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و ... آزاد می شود؛ از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده اند: « القناعة راحة؛ قناعت راحتی است ». و امیرالمؤمنین (علیه السلام) راحتی را ثمره ی قناعت به شمار آورده و فرموده اند: « ثمره القناعة الراحة؛ آرامش، نتیجه ی قناعت است ».

در بُعد خانوادگی نیز اکتفا کردن فرد به امکانات موجود، بسبببازی از نگرانی ها را از زندگی مشترک دور می سازد. مرد یا زنی که به همسر خود به عنوان دارایی موجود خود نگاه می کند و او را بدون مقایسه با نقاط قوت دیگران می نگرد، در حقیقت آرامش خود را تأمین کرده است. همچنان که افرادی که تنها نقاط ضعف همسر خویش را در نظر می گیرند و آن را با نقاط قوت دیگران مقایسه می کنند، همواره روحی ناآرام دارند. دیگر امکانات زندگی نیز، همین طور است. کسانی که به آنچه دارند، راضی اند و خود را برای تحصیل آن چه ندارند، به زحمت نمی اندازند یا در افسوس نداشتن آن به سر نمی برند، زندگی را با روحی آرام و به دور از نگرانی می گذرانند. در حدیثی از امیرمؤمنان (علیه السلام) آمده است: «الرضا ینفی الحزن؛ رضایت و قناعت اندوه را از بین می برد» (حسین زاده، همسران سازگار، ۱۳۸۸: ص ۹۰).

امام صادق (ع) حریص را که ضد قناعت عمل می کند، دور از آسایش و راحتی می داند و می فرماید: حرم الحریص خصلتین و لزومه خصلتان. حرم القناعه فافتقد الراحة و حرم الرضا فافتقد الیقین؛ حریص از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت را با خود دارد: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از راضی بودن محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است. (شیخ صدوق، الخصال، ۱۳۶۲: ص ۶۹)

۲،۱،۴ برخورداری از زندگی گوارا

آسایشی که از قناعت سرچشمه گرفته است، زمینه ی برخورداری همسران از زندگی دلپذیر و گوارا را فراهم می سازد. این نتیجه ارز شمند در روایات با تعبیرهای گوناگونی بیان شده است. در روایتی از آن به زندگی گوارا تعبیر شده است:

عن الصادق (علیه السلام): خمس من لم یکن فیہ لم یتهنأ العیش الصحه و الامن و الغنی و القناعه و الانیس الموافق؛ کسی که پنج چیز در او نباشد، زندگی برایش گوارا نیست؛ سلامت، امنیت، بی نیازی، قناعت و همسر موافق (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۱۳ ق: ج ۱، ص ۸۳).

در بعضی از روایات حتی به این حد نیز بسنده نشده است؛ بلکه قناعت را گواراترین زندگی به شمار آورده است: «عن علی (علیه السلام): القناعه اهنأ العیش؛ گواراترین زندگی قناعت است» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق: ص ۱۰۳). در روایتی دیگر قناعت مصداق حیات طیبه دانسته شده است:

سئل علی (علیه السلام) عن قوله تعالی فلنجیته حیاً طیبهً فقال: هی القناعه؛ از امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود: ما به او حیات طیبه عطا می کنیم، پرسیده شد. پس حضرت فرمودند: حیات طیبه، قناعت است (همان، ص ۳۹۳).

نه تنها قناعت حیات طیبه است؛ بلکه پاک ترین زندگی قناعت است: «عن علی (علیه السلام): اطیب العیش القناعه». و در جای دیگر حضرت امیر (علیه السلام) زیبایی زندگی را قناعت دیده و فرموده اند: «جمال العیش القناعه؛ قناعت زیبایی زندگی است» (همان، ص ۳۹۱).

۳،۱،۴ بی نیاز و استغنا

از دیگر آثار قناعت بی نیازی است. امام صادق (ع) می فرماید: آدم دیندار چون می اندیشد، آرامش بر جان او حاکم است. چون خضوع می کند متواضع است. چون قناعت می کند، بی نیاز است. به

آنچه داده شده خشنود است. چون تنهایی را برگزیده از دوستان بی‌نیاز است. چون هوا و هوس را رها کرده آزاد است. چون دنیا را فرو گذارده از بدی‌ها و گزندهای آن در امان است. چون حسادت را دور افکنده محبتش آشکار است. مردم را نمی‌ترساند و لذا از آنان نمی‌هراسد و به آنان تجاوز نمی‌کند پس از گزندشان در امان است. به هیچ چیز دل نمی‌بندد پس به رستگاری و کمال فضیلت دست می‌یابد و عافیت را به دیده بصیرت می‌نگرد پس کارش به پشیمانی نمی‌کشد (مفید، امالی، ۱۳۶۴: ج ۱۴، ص ۵۲).

۴،۱،۴ توانایی بر انفاق مال

انسان قانع از آنچه به دست می‌آورد، به حد نیاز استفاده می‌کند و از مازاد آن برای کمک به دیگران بهره‌مند می‌شود. مصرف‌گرایی مفرط موجب می‌شود که انسان از میان درآمدهای خود محلی برای انفاق نداشته باشد، اما قناعت و بسنده کردن به اندک و ضروریات دنیا موجب می‌شود که دست انسان برای بخشش به دیگران باز شود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ما احسن بالانسان ان یقنع بالقلیل و یجود بالجزیل؛ چقدر برای انسان نیکو است که به کم قناعت کند و زیادی را ببخشد.» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق: ج ۶، ص ۹۷)

بر این اساس، قناعت باعث بهبود وضع فقیران و نیازمندان می‌شود و ضمن پرهیز از مصرف بیش از حد لازم، به گسترش رفاه عمومی می‌انجامد. انفاق فقط با تمکن مالی تحقق نمی‌یابد، بلکه مهم، قطع علاقه از مال است و این قطع علاقه، با ایجاد روحیه قناعت بدست می‌آید (سلطان محمدی، کسب عزت در پرتو زندگی با قناعت، ۱۳۸۲: ش ۳۹)

۲،۴ آثار معنوی

۱،۲،۴ عزت نفس

عزت نفس یکی از بهترین نشانه‌های سعادت و خوش‌بختی است. از مهم‌ترین عواملی که بر رفتار خانوادگی تاثیر می‌گذارد، احساس عزت نفس است.

عزت نفس با مشارکت فرد در تعاملات خانواده ارتباط دارد. هر یک از افراد خانواده، وقتی دچار استرس می‌شوند، توانایی آنها در برقراری ارتباط آشکار با یکدیگر، دادن پاسخ‌ها و دریافت آن و حل مشکلات به عزت نفس جمعی خانواده بستگی دارد. افراد خانواده در مواقع بحرانی یا استرس‌زا ممکن است ارتباط با یکدیگر را متوقف سازند تا بدین طریق عزت نفس خویش را حفظ کنند.

جایی که به توان خود اعتماد داریم و حس می‌کنیم می‌توانیم از پس مشکلات برآییم و آنها را حل کنیم، از عزت نفس برخورداریم. هرگاه فکر می‌کنیم می‌توانیم مسائل را تحلیل کنیم و با دید باز با آنها رو به رو شویم، عزت نفس داریم. وقتی می‌بینیم خداوند منان در باره ارزش انسان بهشت را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة؛ به درستی که خداوند جان و مال مؤمنان را با بهشت خریداری می‌کند.» (سوره توبه: آیه ۱۱۱) عزت نفس خود را می‌یابیم. جایی که دیگران به ما بها می‌دهند و ارزش خاصی برای ما قائل هستند، احساس عزت نفس می‌کنیم. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه

لم یهنها بالمعصیه؛ کسی که نزد خود عزت و کرامت داشته باشد، با معصیت نفس خود را پست نمی‌کند» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق: ص ۲۳۱).

عزت و نفوذ ناپذیری اثر ارز شمند قناعت است. فردی که به آنچه دارد، قانع نیست، همواره در صدد است که کمبودهای مادی خود را بر طرف سازد و چون تأمین این نیازها در موارد زیادی مستلزم در خواست از دیگران است و از سوی دیگر، این کمبودها بی انتها می‌باشد، نیل به آنچه که فرد در اختیار ندارد، مستلزم ابراز نیاز مداوم به دیگران است. این همان چیزی است که عزت و نفوذ ناپذیری فرد را به شدت به خطر می‌اندازد. از این رو، در روایات بسیاری قناعت موجب عزت دانسته شده است. «عن امیرالمؤمنین (ع): من تجلبب الصبر والقناعة عز و نبل؛ هر کس لباس صبر و قناعت بر تن کند، عزیز و با فضیلت می‌شود» (همان، ص ۲۸۴). در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: «القناعة تؤدی الی العز؛ قناعت به عزت منتهی می‌شود»

بعضی از روایات حتی از این مرحله نیز فراتر رفته و قناعت را پایدارترین نوع عزت بر شمرده‌اند: «القناعة ابقى عز؛ پایدارترین عزت قناعت است» (همان، ص ۳۹۲).

روشن است که عزت مهم‌ترین سرمایه زندگی مشترک است. با وجود آن، می‌توان بسیاری از کمبودهای زندگی را نادیده گرفت و زمینه آرامش و سازگاری خانوادگی را فراهم ساخت.

بی‌نیازی و عزت انسان در احساس اوست. چه بسیار افرادی که با همه سرمایه‌ای که دارند، روحیه گدایی بر آنها حاکم است. فیض کاشانی از وجود پیامبر (ص) اکرم (ص) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «بی‌نیازی به فراوانی ثروت نیست، بلکه به روحیه بی‌نیازی است» (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۳۹۹ ق: ص ۳۷۵). رهایی از اسارت نفس به قناعت وابسته است. کسی که قناعت پیشه نسازد، به اسارت نفس گرفتار می‌شود و عزت خود را از دست می‌دهد. علی (ع) می‌فرماید: «الحریص عبد المطامع؛ حریص بنده هواهای نفسانی است» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق: ص ۳۹۱).

۲،۲،۴ فضیلت اخلاقی

قناعت‌ورزی، بر اساس آموزه‌های قرآنی یک فضیلت است و کسی که قناعت می‌ورزد به این فضیلت دست می‌یابد که از نظر قرآن موجب ارزشمندی انسان می‌شود. این مطلب را می‌توان از آیه ۳۶ سوره حج به دست آورد؛ زیرا امام صادق (ع) درباره «اطعموا القانع و...» فرمود: قانع کسی است که به آنچه به او می‌دهی راضی می‌شود و نسبت به آن ناراحتی، ترش‌رویی و دهن کجی نمی‌کند. (کلینی، الکافی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۴۹۹؛ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۴۹۸) بنابر این می‌توان استفاده کرد که روحیه قناعت، از نظر آموزه‌های قرآنی ارز شمند و یک فضیلت والا است.

۳،۲،۴ اصلاح نفس

اصلاح نفس از مهم‌ترین زمینه‌های خودسازی قلمداد می‌شود. صفت ناپسند حرص که سرچشمه بسیاری از رذایل اخلاقی است، با قناعت درمان می‌شود. ریشه کن کردن حرص، نقطه‌ی آغازی برای آراسته شدن به مکارم اخلاق خواهد بود. بر این اساس، امیرالمؤمنین (علیه السلام) قناعت را عامل مقابله با حرص شمرده و فرموده‌اند:

انتقم من حرصك بالقنوع كما تنقم من عدوك بالقصاص؛ از حرص خود با قناعت انتقام بگیر همان گونه که از دشمن خود با قصاص انتقام می گیری (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق: ص ۳۹۱).

در جایی دیگر، از قناعت به عنوان بیشترین یاری دهنده فرد در جهت اصلاح نفس یاد کرده اند: « اعون شیء علی صلاح النفس القناعه؛ کمک کارترین عامل بر اصلاح نفس قناعت است ». مسلم است فردی که توفیق خودسازی پیدا کرده و از نفس صالحی برخوردار شده است، می تواند در خانواده آرامش ایجاد کند و تنش ها و ناسازگاری ها را به حداقل برساند (حسین زاده، همسران سازگار، ۱۳۸۸: ص ۹۳).

۴،۲،۴ سلامت دین

کسی که قناعت پیشه است دینش و ایمانش از رذایل اخلاقی و آفات و خطرات در امان می ماند. میتواند نفس خود را اصلاح کند و چه چیزی بالاتراز این که نفس سالم باشد و به آنچه که خداوند به او داده است خشنود و راضی باشد چرا که در مقابل خداوند نیز به عمل کم او هم خشنود و راضی می شود و عزت و سربلندی در بین مردم بدست می آورد. احساس بی نیازی نسبت به مردم می کند. می تواند زندگی پاک داشته باشد و از راه حلال و مشروع روزی خود را به دست آورد.

در پرتو طمع و حرص بر دنیا، نیازهای کاذب و زودگذر بر زندگی انسان چیره می شود و او را به خروج از مسیر اعتدال و دین مداری ترغیب می کند، قانون را زیر پا می گذارد و حق خدا و خلق خدا را مراعات نمی کند اما انسان قانع دین خود را به متاع اندک دنیا نمی فروشد و خود را برای کسب مال و مقام و شهرت در مسیر حرام قرار نمی دهد.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: وَمَنْ أَتَىٰ غَنِيًّا فَتَوَّأَصَعَ لَهُ لَغْنَاهُ ذَهَبٌ ثُلُثًا دِينَه؛ و کسی که در نزد توانگری بخاطر ثروتش کرنش کند، دو سوم دینش را از دست داده است (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۹۲: خطبه ۲۲۸).

توصیف حقیقی دنیا حائز اهمیت است؛ دنیا سرای ناپایدار، پست و بی ارزش که ظاهری زیبا و فریبنده دارد و باطنی زشت، هر خوشی آن با تلخی و غم و هرنعمت آن با نبود نعمت دیگری همراه است؛ همراه با بلا و خیانت است و به ساکنان خود امنیت نمی دهد. غنی در دنیا فقیر و آنکه بی نیاز باشد آسوده خاطر است. بی خردی موجب اختلالات رفتاری و عاطفی می شود. شخص نادان و بی خرد قدرت تشخیص شناخت خود را از دست داده، لذا نعمت های فانی را بر نعمت های جاودان و رذایل اخلاقی را بر فضایل ترجیح می دهد. (مغرور، پایان نامه، ۱۳۹۹)

۵،۲،۴ نجات از آفات طمع

شخص قانع از آفت هایی که به واسطه گرفتار شدن در دام طمع نصیب انسان می شود رها و آزاد بوده و نجات می یابد. بنابر روایت، طمع در مال و امور دنیایی، صفت ضد قناعت و از دسته آفت ها و رذائل اخلاقی است، ذکر این لازم است که اگر متعلق طمع، امور آخرتی شد، دیگر عنوان طمع نخواهد داشت و به آن «غبطه» گفته می شود.

حضرت علی علیه السلام میفرماید: از جمله آفت های موجود در طمع، به رنج و سختی افتادن انسان است. انسان طمع کار برای رسیدن به هدف خود حاضر است سختی های ناروایی را

برخود تحمیل نماید تا به هدف برسد، طمع حتی می تواند انسان را تا افتادن در ورطه گناه، به سقوط بکشاند (لیثی واسطی، عیون الحم و المواعظ، ۱۳۷۶: ص ۵۳)

۶،۲،۴ آسایش در آخرت

از جمله آثاری که قناعت در پی دارد این است که علاوه بر این که در این دنیا فرد قانع آرامش خواهد داشت، در آخرت نیز در هنگام محاسبه اعمال، پی جویی اعمال وی کمتر خواهد بود، چرا که در این دنیا بهره اش کمتر بوده است.

قرآن کریم می فرماید:

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ؛ هر کس در گرو اعمال خویش است (سوره مدثر، آیه ۳۸).

همین اعمال است که موجبات سعادت و خوشبختی و یا شقاوت یا بدبختی افراد را فراهم می سازد. انسان قانع از این جهت که در دنیا طمع نکرده و بهره ی کمتری از نعمت ها برده است، کمتر مورد سوال قرار می گیرد.

البته انسان وقتی از پاسـخـگویی معاف خواهد بود که قناعت بورزد، نه اینکه کوتاهی کرده و علاوه بر بهره مند نشدن خود، حقوق دیگران مثل زن و فرزند را رعایت نکرده باشد و در حق ایشان ظلم روا داشته باشد.

نتیجه گیری

در جوامع امروزی به دلایل مشکلات روزافزونی که برای خانواده‌ها وجود دارد، سبب شده است تا قناعت میان آنان کم شود. قانع بودن سبب خواهد شد تا اعضای خانواده یکدیگر را درک کرده و عواطف و احساسات درونی خود را به جهت حمایت از یکدیگر در میان بگذارند. در آیات و روایات همچنین دیدگاه اسلام از آثار قناعت بسیار صحبت شده است. مقاله‌ی حاضر نیز با توجه به مطالعات پیشین و منابع در دسترس به این نتایج رسیده است.

آثار مادی قناعت در خانواده از دیدگاه دین اسلام شامل راحتی و آسایش است که انسان با قناعت کردن به زندگی گوارا یعنی همان حیات طیبه خواهد رسید. قانع بودن باعث بی‌نیازی از دیگران خواهد شد. قناعت در زندگی خانوادگی از مواردی است که باعث توانایی انفاق اموال را به دنبال دارد.

آثار معنوی قناعت در خانواده از دیدگاه اسلام شامل عزت نفس خواهد شد. قناعت کردن از راه‌های میانه روی است که سبب خواهد شد رشد اقتصادی بیشتر شود. قناعت سبب خواهد شد که در آخرت از آسایش برخوردار شد، قانع بودن در زندگی سبب نجات از آفات طمع خواهد شد. با قناعت روابط خانوادگی به دلیل رفتارهای حمایت‌کننده بهبود خواهد یافت. از آثار دیگر قناعت کردن سلامت دین است که سبب رسیدن به فضیلت‌های اخلاقی زیادی خواهد شد. در خانواده‌هایی که قانع هستند اعضای خانواده دارای عزت نفس هستند، و این فضیلت، سرمایه با ارزشی در زندگی مشترک زوجین است. قناعت کردن باعث دوری و در امان ماندن از رذایل اخلاقی و آفات و خطرات خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم: ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، چاپ نورنگ، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- نهج البلاغه، سید رضی، محمد، مترجم: علی شیروانی، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غررالحکم و دررالکلم»، ۴، ناشر دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
 ۲. بهی، محمد، «مفاهیم اخلاقی و عقیدتی قرآن»، ۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
 ۳. جعفری، علامه محمد تقی، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، ۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ۵، انتشارات ناس، تهران، ۱۳۶۴ ش.
 ۵. حسین زاده، علی، «همسران سازگار»، ۲۴، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله)، قم، ۱۳۸۸ ش.
 ۶. حویزی، عبی علی بن جمعه، «تفسیر نور ثقلین»، ج ۳، ۴، مطبعه العلمیه، قم، ۱۳۸۳ ش.
 ۷. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
 ۸. رحیمی اصفهانی، غلامحسین، «اخلاق اسلامی»، ج ۲، ۳، ناشر غلامحسین اصفهانی، قم، ۱۳۶۸ ش.
 ۹. سلطان محمدی، حسین، «کسب عزت در پرتو زندگی با قناعت»، مجله مبلغان، ش ۳۹، ۱۳۸۲ ش.
 ۱۰. صدوق، محمد بن علی، «الخصال»، ۴، ناشر جاویدان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
 ۱۱. طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، ج ۲، ۳، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۲. فیض کاشانی، محمد محسن، «تفسیر الصافی»، ج ۶، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
 ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۵، ۳، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، «عیون الحکم و مواعظ»، ج ۵، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۷۶ ش.
 ۱۵. مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، ج ۵۹، ۷۸، ۹۱، ۶۹، ۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، «اخلاق در قرآن»، ج ۳، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۷. معلوف، لوئیس، «المنجد»، ج ۳، ناشر صبا، تهران، ۱۳۹۳ ش.
 ۱۸. مفید، محمد بن محمد، «امالی»، ج ۱۴، ۲، ناشر بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴ ش.
 ۱۹. نراقی، احمد، «معراج السعاده»، ج ۳، نشر هجرت، قم، ۱۳۷۸ ش.

۲۰. نوری، میرزا حسین محدث، «مستدرک الوسائل»، ج ۱۵، چ ۲، نشر موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۳۶۶ ش.